

الگوی تعاملی سه‌جانبه پویای سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی (ره)

محمد محمودی کیا*

چکیده

این مقاله با در نظر گرفتن سه دوره زمانی مختلف در کنش سیاست خارجی امام خمینی^(ره)، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا در ادبیات گفتاری ایشان در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام، سامانه مربوط به الگوی‌های رفتار سیاست خارجی ایشان طی هر یک از این ادوار سه‌گانه و نیز نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر را طرح‌ریزی نماید. بر این اساس، منطق اقدام ایشان در عرصه سیاست خارجی در سه قالب متعامل «عدم تعهدگرایی ملت‌محور»، «آرمان‌گرایی امت‌محور» و «آرمان‌گرایی امت - ملت‌محور» تبیین گردیده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ره)، با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی چون ترتب، تدرج و وسع، در پی ایجاد نوعی رابطه تعاملی بین نگاه واقع‌بینانه و آرمان‌گرایانه به سیاست خارجی است تا از این طریق به بهترین شیوه میان تحصیل مصالح ملی و نیز پیگیری مصالح امت‌محور ایجاد توازن نماید. بر این اساس، آنچه از منظر امام خمینی^(ره) اهمیت بیشتری می‌یابد، حفظ و صیانت از اصول اساسی و بنیادین اسلام و نیز ارزش‌های ملی‌گرایانه به‌عنوان پایگاهی برای حفظ و نشر ارزش‌های اسلامی در عرصه سیاست خارجی است که این مهم از طریق ایجاد نوعی توازن میان اهداف ملت‌محور و اهداف امت‌محور در عرصه روابط خارجی میسر می‌شود.

* استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، mmahmoudikia@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، امام خمینی^(ه)، آرمان‌گرایی، عدم‌تعهدگرایی، منافع ملی و اسلامی.

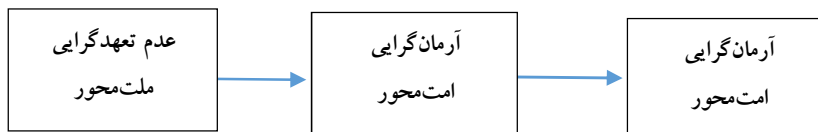
۱. مقدمه

بی‌شک یکی از وجوه تمایز سیاست خارجی در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نوع متفاوت گفتمان، عناصر و ارزش‌های حاکم بر آن است؛ لذا، هرچند الگوی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب را می‌توان ره‌آورد تأثیر متقابل ارزش‌ها، انتظارات و آرمان‌های نظام داخلی با واقعیات محیط‌کنش سیاست خارجی یعنی سطوح منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی دانست، با این حال، آنچه بیش از هر چیز دیگر به نحوه‌کنش و اقدامات سیاست خارجی ایران در این دوره شکل می‌بخشد، متوجه جهان‌نگرش، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک رهبری به‌عنوان پیشوای دینی مردم مسلمان و مردم پیرو مکتب است. بر این مبنا، نوع نگاه امام خمینی^(ه) به دین و اسلام را می‌بایست نقطه عطف این تحولات دانست.

برای صورت‌بندی الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ه) تلاش‌های نظری متعددی صورت پذیرفته و از زوایای گوناگون سعی شده است تا نحوه‌نگرش، کنش و رفتار او در عرصه سیاست خارجی تبیین شود (نک: دهشیری، ۱۳۹۱؛ رضانی، ۱۳۸۸: ۸۰-۵۷). به باور نگارنده، آنچه از تحلیل محتوای آثار بیانی و بنانی امام خمینی^(ه) در حوزه سیاست خارجی دهه نخست انقلاب اسلامی مستفاد می‌شود، حکایت از وجود سه دوره متمایز در نحوه مواجهه ایشان با مسائل سیاست خارجی و بین‌المللی دارد؛ نخستین مرحله، به فاصله زمانی ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب و عمده‌تأ ایام حضور امام^(ه) در فرانسه-مهرماه ۱۳۵۷ - تا آغاز رسمی تهاجم نظامی ارتش بعث عراق به ایران و اشغال بخش‌هایی از خاک کشور- ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ - برمی‌گردد. مرحله دوم، دوره هشت‌ساله جنگ تحمیلی تا قبول قطعنامه و مرحله سوم، به فاصله زمانی پس از پذیرش قطعنامه تا وفات امام خمینی^(ه) مربوط می‌شود.

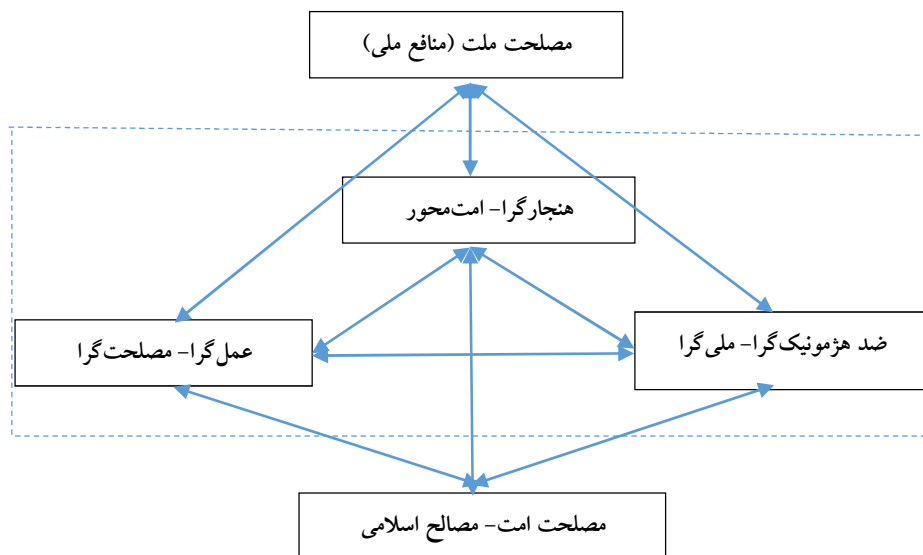
بر این مبنا، هر یک از این دوره‌های زمانی یادشده را می‌توان بر اساس دسته‌ای از متغیرها به‌صورت یک ویژگی ممیزه و برجسته از دیگر دوره‌ها تمییز داد. چنانچه می‌توان در هر یک از این ادوار سه‌گانه ویژگی‌های متمایزی برای مجموعه‌ای از عناصر همچون الگوی کنش، اهداف، راهبردها، ابزارهای پیگیری و تحقق اهداف، ارزش‌ها و برون‌دادهای

سیاست خارجی بیان کرد. بر این اساس و به نسبت این تقسیم‌بندی زمانی سه‌گانه، می‌توان این ادوار را بر اساس وقوع یک یا چند رخداد مهم سیاست خارجی با منشأ داخلی و یا خارجی به‌صورت سه مقطع، دوره «عدم تعهدگرایی ملت‌محور» (سال‌های بین ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹)، «آرمان‌گرایی امت‌محور» (سال‌های بین ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۷) و «آرمان‌گرایی امت - ملت‌محور» (سال‌های بین ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸) نام‌گذاری کرد.



شکل ۱: فرایند زمانی کاربست الگوهای کنش سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی^(ه)

هر یک از این الگوهای سه‌گانه، منجر به ایجاد ابداعات مفهومی نوینی در حوزه نظری سیاست خارجی و نیز شکل‌گیری گونه‌های متفاوتی از کنش سیاست خارجی می‌شود که به‌صورت برون داد به محیط بین‌الملل وارد می‌گردد. بر این اساس، در دوره نخست که الگوی کنش سیاست خارجی بر مبنای الگوی عدم تعهدگرایی ملت‌محور سامان می‌یابد، زمینه برای فهم وجوه «ضد هژمونیک‌گرا - ملی‌گرای» الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ه) فراهم می‌شود؛ الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرایی امت‌محور، زمینه لازم را برای فهم وجوه «هتجارگرا - امت‌محور» و الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرایی امت - ملت‌محور، نیز فراهم وجوه «عمل‌گرا - مصلحت‌گرای» الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ه) را فراهم می‌آورد.



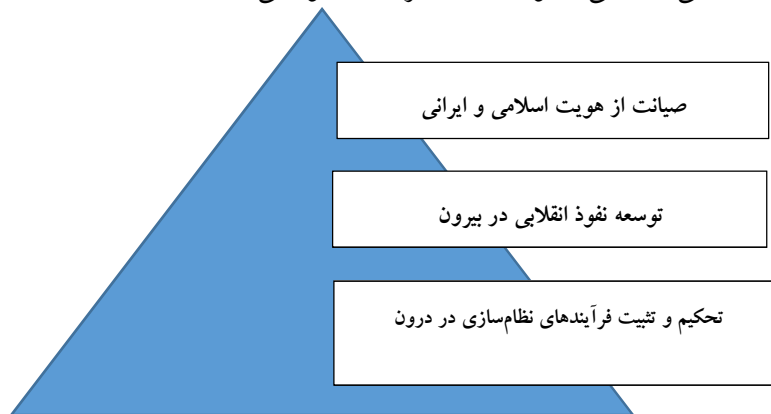
شکل ۲: الگوی تعاملی بروندهای ادوار مختلف زمانی سیاست خارجی با تأکید بر نوع منافع مورد پیگیری

بر این اساس، راهبردهای متفاوتی نیز در هر یک از دوره‌های سه‌گانه تعقیب می‌شود. چنانچه در دوره نخست، بیشترین هدفی که در صدر اولویت‌های سیاست خارجی دنبال می‌شد، بر مبنای تحکیم و تقویت ساخت درونی قدرت و تثبیت فرایند نظام‌سازی سامان می‌یافته است. چنانچه تأکید و رجحان امام خمینی^(ره) بر منافع ملی نیز گواهی بر این مدعاست. این راهبرد علاوه بر تأمین استقلال و موجودیت کشور، به حفظ استقلال کشور در نظام بین‌المللی وقت نیز کمک شایانی می‌کرد.

راهبرد دوره دوم، بر توسعه نفوذ انقلابی از طریق پیگیری موضوعاتی چون صدور انقلاب، دیپلماسی تبلیغ، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و نیز دیپلماسی وحدت با هدف ایجاد محیط منطقه‌ای مناسب برای تداوم حیات انقلاب اسلامی و توسعه آن، طرح و پیگیری شده است. هرچند موضوعاتی چون صدور انقلاب، دیپلماسی تبلیغ و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش در دوره نخست نیز مورد تأکید امام خمینی^(ره) قرار دارد، با این تفاوت که شدت آن به نسبت این دوره از ظهور و بروز کمتری برخوردار است.

راهبرد سوم، متأثر از پذیرش قطعنامه و تغییرات محیط بین‌المللی، بیشتر بر محوریت صیانت از هویت اسلامی و نیز حفظ و تقویت منابع قدرت ملی متمرکز می‌شود. راهبرد

مذکور در این دوره، در قالب پیگیری مباحثی چون دیپلماسی تبلیغ، تأکید بر توسعه و تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و جامعه بروز و ظهور می‌یابد.



شکل شماره ۳: الگوی سلسله مراتبی راهبردهای نظریه سیاست خارجی امام خمینی^(ه)

۲. الگوهای کنش سیاست خارجی

۱.۲ الگوی عدم تعهدگرایی ملت‌محور

اساساً انقلاب‌ها به‌طور ماهوی در چالش و تعارض با قدرت‌های هژمون در سطح ملی و بین‌المللی قرار می‌گیرند و این مسئله در مورد انقلاب‌های بزرگ و ایدئولوژیک بیشتر نمود و بروز پیدا می‌کند؛ چراکه جنبه تعارض آن‌ها با نظم هژمونیک بین‌المللی، بیشتر است. از این رو، انقلاب‌های ملهم از قدرت نیروهای اجتماعی، در صدد واسازی هرگونه نظم تحمیلی از سوی قدرت‌های نظم‌ساز هستند (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۳). بر این اساس، یکی از اصول عملی سیاست خارجی امام خمینی^(ه) اتخاذ سیاست نه شرقی - نه غربی است که این سیاست، نه به معنای عدم ارتباط با شرق و غرب (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵: ۴۶۷)، بلکه بر نفی هرگونه وابستگی و در پی آن بر نفی هرگونه سلطه خارجی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۳: ۴۶۸) دلالت دارد.

لذا، از منظر امام خمینی^(ه) اولین گام در جهت تحقق این اصل، آزادسازی کشور از قید وابستگی‌های بیرونی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۴: ۴۱۴) بوده که این خود متضمن پذیرش اصلی دیگر در قالب تقدیم و ترجیح مصالح ملی بر دیگر انواع مصالح است. مؤید این

برداشت، تکرار گسترده واژه‌هایی چون مصالح ملت، مصالح مردم، مصلحت ایران و مصلحت جمهوری اسلامی در ادبیات سیاسی امام خمینی^(ره) در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی است؛ به طوری که با بررسی آماری در سخنان ایشان در مجموعه ۲۱ جلدی صحیفه امام خمینی^(ره) طی مدت زمان ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز رسمی جنگ در شهریور ۱۳۵۹، واژه‌های مرتبط با مصالح ملی ۵۷ مرتبه و واژه‌های مرتبط با مصالح اسلامی ۱۵ مرتبه تکرار شده است (جدول شماره ۱)؛ بنابراین، ترجیح منافع ملی بر منافع ایدئولوژیک در این دوره، بیانگر این نکته است که سمت‌گیری عدم‌تعهدگرایانه سیاست خارجی امام خمینی^(ره) با هدف تحکیم و تقویت ساخت درونی قدرت و تثبیت فرایند نظام‌سازی از طریق پیگیری برخی روندهای نهادساز در داخل بوده است.

بر این اساس، هدف اصلی از طرح و تعقیب این الگو در عرصه سیاست خارجی، حفظ استقلال و موجودیت کشور یا نظام جدید در دل نظام جهانی موجود است. این هدف به‌طور عمده از دو طریق پیگیری می‌شود؛ نخست، تأکید بر هنجارهای دیپلماتیک و مشترک جهانی همچون حفظ استقلال و آزادی، احترام متقابل در روابط خارجی، عدم دخالت در امور داخلی و دیگری، اهمیت بخشیدن به نقش نیروهای مسلح در حفظ و صیانت از موجودیت کشور و نظام اسلامی. در واقع، سیاست عدم‌تعهدگرایی ملت‌محور با تکیه بر دو اصل سلطه‌ناپذیری و نیز ترجیح و تقدیم منافع ملی، در پی زمینه‌سازی برای ساخت کشوری مقتدر و توانمند در پیگیری اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک نظام سیاسی حاکم بر آن است.

جدول شماره ۱: جدول فراوانی تکرارپذیری واژه مصلحت در کلام امام خمینی^(ره)

کلیدواژه	دوره نخست (از مهر ۱۳۵۷ تا آغاز رسمی جنگ) جلد ۱ تا ۱۲	دوره دوم (دوره جنگ تحمیلی) جلد ۱۳ تا ۲۰	دوره سوم (از پذیرش قطعنامه تا خرداد ۱۳۶۸) جلد ۲۱	مجموع
مصلحت اسلام	۱۰	۱۰	۵	۲۵
مصلحت مسلمین	۵	۵	۰	۱۰
مصلحت نظام	۰	۳	۷	۱۰
مصلحت جامعه	۱	۲	۱	۴
مصلحت ایران	۳	۰	۰	۳

۲۳	۰	۳	۲۰	مصلحت ملت
۱۸	۱	۰	۱۷	مصلحت مملکت
۵	۰	۰	۵	مصلحت مردم
۳	۰	۳	۰	مصلحت جمهوری اسلامی
۱۹	۱	۷	۱۱	مصلحت کشور
۱۱۹	۱۵	۳۳	۷۱	مجموع

برونداد این الگوی رفتاری در عرصه سیاست خارجی، به‌طور عمده در قالب دو اصل سلطه‌ستیزی و تقدیم منافع و مصالح ملی تجلی می‌یابد. بر این اساس، تحقق عملی اصل سلطه‌ستیزی در سیاست خارجی مستلزم اتحاد و ائتلاف نیروهای ضدهژمونیک در سطوح فردی، دولتی و غیردولتی است. اگرچه ماهیت هژمونی، به‌گونه‌ای است که در بطن خود نیروهای ضدهژمونیک را پرورش و گسترش می‌دهد، اما مبارزه و مقابله عملی با هژمونی نیازمند همکاری ارادی و هدفمند سلطه‌ستیزان است. از این رو، یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی امام خمینی^(ه)، تلاش برای تشکیل جبهه ضد استکباری در قالب طرح ایده «حزب جهانی مستضعفین» بوده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۹: ۲۸۰، ۳۳۱، ۳۳۹). پیگیری این هدف در سیاست خارجی بر پایه رسالت‌مداری و فراملی‌گرایی اسلامی - که در قانون اساسی بر عهده جمهوری اسلامی گذاشته شده است - پیگیری می‌شود. در واقع، ائتلاف و اتحاد سلطه‌ستیزان، نمود عینی موازنه‌سازی برون‌گرا در سیاست خارجی ایران است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۲۲-۳۲۱).

بر همین اساس، امام خمینی^(ه) سیاست نه شرقی - نه غربی را سیاست واقعی عدم تعهد دانسته و بر عدم عدول از این سیاست تأکید می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۰: ۳۱۹)؛ چراکه دوام و قوام جمهوری اسلامی بر پایه این سیاست استوار است و در چارچوب همین سیاست، استقلال، آزادی، حمایت از محرومین و مستضعفان، مبارزه با ظلم و ستم و سایر نقش‌ها و اهداف جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد. لذا، به همین دلیل است که امام خمینی^(ه) در مقام قیاس انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها، سیاست لا شرقیه و لا غربیه را به‌عنوان صراط مستقیم الهی و وجه متمایز الگوی سیاست خارجی موردنظر خویش یاد می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۰: ۱۵۸).

ویژگی عدم تعهدگرایانه در سیاست خارجی امام خمینی^(ه) به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در ارزیابی انتقادی سیاست خارجی ایشان نسبت به فرایندهای سیاست

بین‌الملل از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است به گونه‌ای که شاخص‌های هنجاری - ادراکی سیاست خارجی ایران در این دوره نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای جلوه‌هایی از راهبرد عدم تعهد، سازمان‌دهی و تبیین شده است که برخلاف دیگر کشورها، این رویکرد در سیاست خارجی ایران، از ماهیتی منفعلانه برخوردار نیست، چنانچه ایشان می‌فرمایند: «ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵: ۸۰). به بیان دیگر،

شاخص‌هایی از «عدم تعهد منتقدانه» را می‌توان در سیاست خارجی امام خمینی^(ره) مورد ملاحظه قرار داد که این رویکرد را نمی‌توان با جلوه‌هایی از بی‌طرفی و آنچه در جنبش عدم تعهد مورد توجه قرار می‌گیرد، مقایسه کرد. در واقع، عدم تعهد منتقدانه دارای رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی بوده و بر اساس نشانه‌هایی از انتقاد نسبت به سیاست بین‌الملل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس، جهت‌گیری عدم تعهد منتقدانه در الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ره) را می‌توان بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های ایدئولوژیک آن تبیین کرد؛ بنابراین، در حوزه سیاست خارجی، مؤلفه‌های هنجاری به موازات عناصر عینی و ابزارهای قدرت مادی با یکدیگر در فضای تعاملی قرار می‌گیرند. سیاست خارجی ایدئولوژیک دارای شاخص‌ها و نشانه‌های انتقادی نسبت به سیاست بین‌الملل است. طبیعی است که هرگونه بنیادگرایی منجر به جدال‌گرایی و مقاومت بیشتر در برابر شاخص‌های مسلط در سیاست بین‌الملل می‌شود. در چنین فرایندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره در زمره کشورهایی قرار دارد که از جهت‌گیری عدم تعهد منتقدانه در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد (متقی، ۱۳۸۹: ۱۹۶-۱۹۵).

این نشانه‌های عدم تعهدگرایی منتقدانه در سمت‌گیری سیاست خارجی از یکسو ناشی از مؤلفه‌های ایدئولوژیک و رهیافت‌های راهبردی کشور است و از سوی دیگر، باید آن را واکنشی نسبت به تهدیدهای شکل گرفته از سوی سیاست بین‌الملل دانست. در واقع، راهبرد ائتلاف‌گرایی به عنوان یکی از الگوهای کنش انتقادی سیاست خارجی ایران، بر این باور تأکید دارد که سیاست خارجی عدم تعهد منتقدانه، جلوه‌های از سنگربندی در سیاست خارجی نسبت به جهان غرب و کشورهای متحد با آن و نیز در ائتلاف با بازیگرانی که در فضای انتقادی نسبت به آمریکا و جهان غرب قرار دارند را به نمایش گذاشته و ساماندهی می‌نماید (متقی، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۱۹۷).

یکی دیگر از عواملی که موجب شکل‌گیری الگوی کنش انتقادی در قالب طرح و پیگیری الگوی سیاست خارجی عدم تعهدگرایانه امام خمینی^(ه) می‌شود، وجود ساختارهای سلطه و سرکوب در نظام بین‌الملل موجود است. از این رو، جوهر مفهوم رهایی در سیاست خارجی نیز بر رهایی از نابرابری‌های ناشی از نظام جهانی، مبارزه با ظلم و تعدی و نیز الغای ساختارهای سلطه و سرکوب در عرصه روابط بین‌الملل بنیان گذاشته شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵: ۲۹۵ و ۳۴۶)؛ چنانچه تجلی این اصل نیز مبارزه با ساختارها، کارگزاری‌ها و کارگزاران نظام بین‌المللی هژمونیک، در اصل ۱۵۲ قانون اساسی، «بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری» منعکس گردیده است.

بر همین اساس، سیاست خارجی در حکومت اسلامی موظف است که با ظلم و روابط ظالمانه در نظام بین‌الملل مخالفت کند. معنای این اصل در رفتار سیاست خارجی آن است که نخست، حکومت اسلامی نمی‌تواند در مقابل سیاست‌های ظالمانه سکوت پیشه کند، چنانچه امام^(ه) می‌فرماید: «ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم». دوم، حکومت اسلامی خود نمی‌تواند مجری سیاست‌های مبتنی بر ظلم بر دیگران باشد. این معنا برآمده از آموزه‌های وحیانی است. امام خمینی^(ه) نیز بر اساس همین منطق می‌فرماید: «ما آن‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶: ۳۹۱). در نتیجه، ظلم و تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد.

بر این مبنا، نفی نظام سلطه و اتخاذ استراتژی طرد و رویکرد انقباضی در برابر استعمار و استکبار و نیز ترویج عدالت‌خواهی در سراسر جهان، منجر به شکل‌گیری اصل دیگری در الگوی کنش سیاست خارجی عدم تعهدگرایانه امام خمینی^(ه) تحت عنوان حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش به‌عنوان بخش مکمل اصل استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی می‌شود؛ چراکه ارتباطی کارکردی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد؛ به عبارت دیگر، شیوه‌های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملل هستند؛ و دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول ناآگاهی از یک‌طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

یکی دیگر از اصول برآمده از الگوی کنش سیاست خارجی عدم تعهدگرایانه امام خمینی^(ه)، قاعده نفی سیل به معنای عدم جواز سلطه غیرمسلمان بر مسلمین است (امام

خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۴: ۳۱۷). با این حال، عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم، ولی غیر کافی است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی علاوه بر بستن راه هرگونه سلطه و نفوذ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۶۲-۲۶۱)، مکلف به مبارزه با استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی‌عدالتی است؛ چنانچه ایشان در این رابطه اعلام می‌دارند: «برنامه اسلام در این است که دیکتاتوری‌ها به کلی در دنیا نابود بشوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۹: ۷۰).

از منظر امام خمینی^(ه)، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌گری از مبانی عقلی و شرعی برخوردار است که بر اساس آن، این موضوع به یک تکلیف تبدیل می‌شود. به اعتقاد امام خمینی^(ه) از نظر عقلی نمی‌توان «برای حیات زیر سلطه غیر، ارزشی قائل شد»، زیرا که به تعبیر ایشان «ارزش حیات به آزادی و استقلال است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۱۹). علاوه بر منطق عقلایی، به اعتقاد امام خمینی^(ه)، وابستگی به قدرت‌های غارتگر استعماری و سلطه‌پذیری از آن‌ها، مخالف نص قرآن کریم نیز است. چنانچه امام خمینی^(ه) با استناد به این آیه قرآنی «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) می‌فرمایند:

دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید، نه زیر بار ظلم بروید. انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست. انظلام به خود ظلم کردن است. به یک ملت ظلم کردن است. ظلم هم از همین قماش است. هر دویش در اسلام ممنوع است. نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید، نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۱: ۲۵۶-۲۵۵).

امام خمینی^(ه) با استناد به این آیه می‌فرمایند:

ما در طول تاریخ مظلوم بودیم. از همه جهات مظلوم بودیم؛ و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم؛ و ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد؛ و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم. تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم. لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۴: ۸۲).

علاوه بر مبانی عقلانی و قرآنی، امام خمینی^(ه) مقابله با سلطه استعماری غرب را از سیره عملی انبیاء و ائمه^(ع) نیز استنباط کرده و معتقد است:

انیا هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن، مردم را، ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷: ۵۲۷).

این عبارات حاکی از آن است که ایشان در پرتوی اتخاذ الگوی عدم تعهدگرایانه در سیاست خارجی خود به دنبال اعاده عزت در جامعه اسلامی و صیانت از آن در برابر هرگونه سیاست تهاجمی در سطح ملی و بین‌المللی است.

همین تلقی از سلطه خارجی به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید جوامع انسانی موجب می‌شود تا امام خمینی^(ع) بر اتخاذ رویکردی فعال به‌منظور رهایی ملل مستضعف از یوغ وابستگی و ظلم در برابر نظام سلطه از طریق انقلاب و مصادره قدرت سیاسی تأکید کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲: ۱۶۰). بر این اساس، امام خمینی^(ع) مبارزه با سلطه خارجی، انجام مبارزات استقلال‌خواهانه، بیگانه‌ستیزانه و آزادی‌خواهانه را برای تثبیت مبانی احکام اسلامی، حفظ فرهنگ و هنجارهای اسلامی ضروری دانسته و هدف از انجام مبارزات سیاسی را حفظ و تحقق احکام اسلامی عنوان می‌کنند؛ امام^(ع) در ضرورت مبارزه برای مصادره قدرت و قیام علیه مستکبرین عالم می‌فرمایند:

«ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌کنیم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲: ۱۴۷).

ایشان تحقق صلح جهانی را در گرو از بین رفتن سلطه‌گران و مستکبران جهانی دانسته و در بیان راهکارهای تحقق آزادی و نیز رهایی ملت‌ها از یوغ سلطه‌گران، راهبرد «قیام» علیه نظام سلطه را مطرح کرده و می‌فرمایند:

عموم مستضعفین باید به هم پیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده است، نمی‌رسند. همان‌ای مظلومان جهان! ... از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲: ۱۴۴).

«ما از همه مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۹: ۲۸۰).

بنابراین، از دیدگاه امام خمینی^(ره) یکی از وظایف دولت اسلامی تلاش برای اقامه عدل و نجات مظلومان جهان از دست ظالمان است. چنانچه در این رابطه می‌فرماید:

ما باید دولت اسلامی را، همه مردم، همه انسان‌ها، دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتوانند اقامه عدل بکنند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد، یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد. روی رویه اسلام به همان دو معنا، به همان دو راهی که اسلام دارد، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بینشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷: ۵۲۹-۵۲۸).

در بعد الگوی بازیگر، در این دوره، عمده تأکید ایشان بر بازیگری دولت‌ها در صحنه سیاست جهانی است و از همین رو، سیاست خارجی خود را بر مبانی اصول و هنجارهای جهان‌شمولی چون عدم دخالت در امور داخلی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵: ۴۱۹)، احترام متقابل (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۴: ۳۳۲)، حسن هم‌جواری (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۲۰) و نیز احترام به حق حاکمیت و استقلال کشور (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲: ۲۲۵) سازمان‌دهی می‌کنند.

امام خمینی^(ره) در تعبیری چنین می‌فرماید که: «دولت از اموری است که باید در مملکت باشد. از واجبات حسبیه‌ای است که واجب است برای حفظ نظم، دولت باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۱۱۳). بر این اساس، از نظرگاه ایشان دولت از کارکردهای متفاوتی برخوردار است؛ در حوزه داخل تأمین‌کننده نظم و امنیت و در حوزه بین‌المللی، تضمین‌کننده استقلال و تمامیت ارضی آن. از همین رو، الگوی بازیگر در این دوره، دولت‌محور بوده و غالب هنجارها و ارزش‌های مورد تأکید ایشان با محوریت بازیگری دولت‌ها طرح می‌گردد.

باین حال، هرچند با گذشت زمان، انتقادات ایشان از وضعیت حاکم بر بازیگران رسمی نظام و به‌طور ویژه دولت‌های اسلامی بیشتر می‌شود، در مقابل، تأکید بیشتری بر نقش بازیگران غیردولتی همچون جنبش‌های آزادی‌بخش، مستضعفان و مسلمانان جهان به عمل می‌آید. آغاز جنگ از سوی ارتش بعث عراق سرآغازی بر تقویت این نگاه نزد ایشان محسوب شده و موجب می‌شود تا هویت به‌عنوان عامل اساسی در این حوزه ایفای نقش

الگوی تعاملی سه‌جانبهٔ پویای سیاست خارجی در اندیشهٔ امام خمینی^(ه) ۹۵

بیشتری یابد؛ چنانچه ایشان مسلمان بودن را فراتر از عامل ملیت معرفی کرده و بر همین مبنا، مسائل مسلمانان را فارغ از موقعیت مکانی آن‌ها، یکسان می‌پندارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۱۶۸-۱۶۷).

الگوی سیاست خارجی عدم تعهدگرایی ملت‌محور

الگوی کنش	راهبرد	هدف	منافع	ابزار	برون داد	وجه انتقادی	هنجار مورد تأکید
عدم تعهدگرایی ملت‌محور	تثبیت فرایند نظام‌سازی در درون	حفظ موجودیت و استقلال کشور در دل نظام موجود جهانی	بیشترین تأکید بر منافع و مصالح ملی است.	لغو پیمان‌ها و قراردادهای متباین با منافع ملی -اعلام وضعیت بی‌طرفی در سیاست خارجی	ضد هژمونیک گرا - ملی گرا	انتقاد از خوی سلطه‌گرا یانه نظام و قدرت‌های جهانی	تأکید بر هنجارهای جهان‌شمول و دیپلماتیک در روابط خارجی

۲.۲ الگوی آرمان‌گرایی امت‌محور

یکی از اصول رفتار سیاست خارجی امام خمینی^(ه) که تداوم آن در دوره سال‌های جنگ تحمیلی متأثر از فضای بیرونی و داخلی بیش‌ازپیش بروز و ظهور می‌یابد، بعد آرمان‌گرایی الگوی سیاست خارجی ایشان است. عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی در این رابطه طرح و تعقیب می‌شود که ایده صدور انقلاب از مهم‌ترین آن‌هاست. بر این اساس، سمت‌گیری سیاست خارجی بر اساس اصل اسلام‌خواهی و مکتب‌گرایی انتظام می‌یابد. از این منظر، حفظ اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۳۲۹) و شناخت ملت‌ها از اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۳۲۱) سرلوحه تلاش‌های سیاست خارجی در پیگیری راهبرد مذکور قرار می‌گیرد، چنانچه ایشان بالاترین فریضه را حفظ اسلام اعلام می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۳۲۹) و همگان را مکلف به رعایت آن می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۳۹۸-۳۹۷).

نکته قابل توجه در این بین، همسان‌سازی «جمهوری اسلامی» با «اسلام» در نگاه ایشان است. چنانچه ایشان «جنگ با ایران را جنگ با اسلام» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۲۲۶) و یا «جنگ بین اسلام و کفر و قرآن کریم و الحاد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۲۳۰) معرفی و وظیفه دفاع و صیانت از جمهوری اسلامی را برابر با حفظ و صیانت از اسلام اعلام می‌کنند و می‌فرمایند: «الآن اسلام در دست ماست و ما پاسدار او هستیم و اگر آسیب ببیند، همه ما مسئول هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۴۰۱) و یا اینکه می‌فرمایند: «این الآن یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷: ۳۸۳)؛ بنابراین، یکی از موضوعات مهم در کنش سیاست خارجی امام خمینی^(۵) در این دوران، حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور است، چراکه از منظر او ایران پایگاهی برای صدور اسلام و ارزش‌های انسانی و الهی آن (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷: ۴۱۱) است.

بر این مبنا، آنچه وجه آرمان‌گرایانه رویکرد سیاست خارجی امام خمینی^(۵) را در این دوره نمایان می‌سازد، تأکید ایشان بر آرمان‌های اسلامی است. در این خصوص، هرچند در مرحله نخست، توجه و تمرکز ایشان بر حفظ و صیانت از ایران است، اما آنچه از این راهبرد دنبال

می‌شود، فراهم آوردن زمینه لازم برای صدور ارزش‌های اسلامی به جهان است. از این رو، در این دوره شاهد بیشترین تکرار و تأکید بر ایده صدور انقلاب هستیم. این ایده در اشکال گوناگون و در اضافات لغوی متفاوتی همچون صدور اسلام، صدور ارزش‌های اسلامی، صدور معنویات اسلامی، صدور معنوی اسلام، صدور نهضت، صدور جمهوری اسلامی و صدور تجربه به کار برده شده که حسب بررسی آماری در مجموعه ۲۱ جلدی صحیفه امام^(۶)، بیشترین فراوانی تکرار آن متعلق به دوره جنگ تحمیلی با تأکید بر صدور انقلاب و صدور اسلام است (جدول شماره). بر این اساس، راهبرد اصلی سیاست خارجی امام خمینی^(۵) در این مقطع بر اساس توسعه نفوذ انقلابی سامان می‌یابد. این راهبرد اهداف متعددی را تعقیب می‌کند که از جمله مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد محیط منطقه‌ای مناسب برای تداوم انقلاب اسلامی و توسعه آن، دفاع از اسلام و ارزش‌های آن، حفظ مکتب و چهره اسلام از خطر انحراف، اتحاد و انسجام جماهیر اسلامی، حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی کشور و نیز کنش فعالانه در عرصه بین‌المللی از طریق توسعه روابط خارجی.

جدول فراوانی تکرارپذیری واژه‌های مرتبط با ایده صدور انقلاب در کلام امام خمینی^(ه)

کلیدواژه	دوره نخست (از مهر ۱۳۵۷ تا آغاز رسمی جنگ) جلد ۱ تا ۱۲	دوره دوم (دوره جنگ تحمیلی) جلد ۱۳ تا ۲۰	دوره سوم (از پذیرش قطعنامه تا خرداد ۱۳۶۸) جلد ۲۱	مجموع
صدور انقلاب	۵	۴۳	۱	۴۹
صدور اسلام/ارزش‌های اسلامی	۲	۱۴	۰	۱۶
صدور معنوی/معنویات انقلاب اسلامی	۰	۲	۱	۳
صدور نهضت	۱	۰	۰	۱
صدور تجربه	۰	۱	۰	۱
صدور جمهوری اسلامی	۱	۱	۰	۲
مجموع	۹	۶۱	۲	۷۲

اما وجه دیگر این رویکرد، ویژگی امت محوری در سمت‌گیری‌های سیاست خارجی امام خمینی^(ه) در این دوره است. در این راستا، کنش سیاست خارجی ایشان در این دوره بیشتر باهدف تأمین منافع و مصالح اسلامی سازمان‌دهی می‌شود. چنانچه ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «اسلام اساس منافع ماست... اگر فکر منافع خودمان هستیم باید فکر اسلام باشیم که اسلام منافع ما را تأمین می‌کند» و یا این‌که می‌فرمایند: «باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم، نه مصالح شخصی خودمان را» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹: ۹ و ۶۶). در واقع، اسلام در کانون توجهات کنش سیاست خارجی امام خمینی^(ه) عنصر بسیار تأثیرگذاری است چنانچه ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۰: ۳۲۵).

این رویکرد، بر نوع رویکرد ایشان نسبت به مسئله کارگزاری و بازیگری در عرصه سیاست خارجی نیز تأثیرگذار بوده است. چنانچه ایشان در این دوره، انتقادات بسیاری را نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، ابرقدرت‌ها و حتی دولت‌های اسلامی بیان می‌دارند و در عوض میزان را در روابط خارجی ملت‌ها و به‌طور خاص ملت‌های مسلمان و مستضعف (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۲۷۸) عنوان می‌کنند. این موضوع، به‌عنوان یکی از رویکردهای

انتقادی امام خمینی^(۹۰) در تغییر الگوی بازیگر در عرصه بین‌المللی از توجه و تمرکز بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی به سوی جمعیت‌های انسانی، یکی از مباحث جدی اندیشه سیاست خارجی ایشان در طی این دوره است. از این‌رو، از دیدگاه امام خمینی^(۹۱)، یکی دیگر از راهکارهای تحقق جامعه آزاد انسانی، حمایت از مستضعفان است. این اصل لازم و مکمل استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی است؛ به طوری که ارتباطی منطقی و کارکردی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد. ایشان ضمن تأکید بر حمایت از مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان می‌فرمایند:

«ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صراحتاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲: ۱۴۷) و یا اینکه می‌فرمایند:

ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است؛ و کشور ایران به‌عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی اعتقادی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۹۱).

رویکرد هنجارگرا امام خمینی^(۹۲) در دفاع از آزادی و نیز احقاق حقوق از دست‌رفته ملت‌های ستمدیده، همواره جزئی مهم از سیاست‌های اعلانی ایشان در حوزه سیاست خارجی بوده است. ایشان با اعتقاد به جوهره وجودی انسان - که همان «فطرت مخموره» و الهی بشر است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۶) - با رویکردی جهان‌گستر به دفاع از حقوق ذاتی انسان‌ها پرداخته و می‌فرمایند:

ما برای احقاق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد ... ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود... برخیزید...؛ و سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشست‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست برنخواهند داشت (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۹۱).

با عنایت به این نکته که از دیدگاه امام خمینی^(ه)، اسلام دین تمام ابنای بشر است، وفاداری به ارزش‌های والای اسلام و عمل به آن‌ها در اولویت قرار دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت، از نظرگاه امام خمینی^(ه) اعتقاد به ارزش‌های اسلامی مبین نوعی احساس مسئولیت نسبت به جامعه جهانی بوده و این احساس مسئولیت متضمن مبارزه حق‌طلبانه در برابر ظلم و ستم جهانی است. لذا، ماهیت اصلی این تفکر بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه و سلطه‌گری و نیز نفی سکوت و برخورد انفعالی ابتناء یافته است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

از نظرگاه امام خمینی^(ه) برخلاف رویکرد مادی‌گرا که قدرت را «آموزه‌ای ساختاری» و ریشه‌دار در موقعیت‌ها و روابط ساختاری می‌داند، قدرت با رویکردی عرفانی، فلسفی و هستی‌شناسانه از «امهات صفات الهی و یکی از ائمه سبعه» دانسته شده و قدرت سیاسی محصور در تبعیت از اصول اخلاقی معرفی می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۰۲). در نتیجه، ایشان هرگونه هژمون و تفوق قدرت‌های استعماری را مردود شمرده و با تکیه بر قدرت نیروهای اجتماعی در صدد درهم شکستن هرگونه نظم تحمیلی از سوی قدرت‌های نظم‌ساز هستند.

نکته حائز اهمیت در این بین، ظهور کنش رفتاری هنجارگرای دیگری است که تحت عنوان صلح‌طلبی در این مقطع از زمان در ادبیات سیاست خارجی ایشان بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کند. در واقع، هرچند کشور در این مرحله درگیر تجاوز نظامی از سوی دولت بعث عراق شده و از نظرگاه امام خمینی^(ه) این تجاوز نه به ایران که به اسلام صورت پذیرفته است، با این حال، همواره بر صلح‌طلبی و حفظ روابط حسنه با کشورهای جهان در قالب برقراری صلحی شرافتمندانه (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷: ۲۹) تأکید می‌شود چنانچه ایشان پس از اعلان رسمی جنگ علیه کشور، بر عدم تمایل خویش به ورود به جنگ نظامی تصریح کرده (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۲۲۳-۲۲۲) و صراحتاً اعلام می‌دارند که «نظر تجاوز به هیچ‌یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نداریم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۴۷۴) و «طالب صلح و صفا برای همه هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶: ۱۵۸)؛ هرچند ایشان حفظ صلح را منوط به عمل متقابل (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶: ۳۱۷-۳۱۶) و رعایت اصولی چون حسن هم‌جواری و ترک سیاست‌های تجاوزطلبانه می‌دانند.

بر این اساس، الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرای امت‌محور زمینه لازم برای فهم وجوه «هنجارگرای» الگوی سیاست خارجی امام خمینی^(ه) را فراهم می‌آورد. این تمرکز در بعد

هنجاری، علاوه بر هنجارهای جهان‌شمول همچون کرامت انسانی، حفظ جوانب انسانی، صلح‌طلبی، منع دخالت در امور داخلی و نیز منع سیاست‌های تجاوزطلبانه، بر برخی هنجارهای درون‌دینی همچون همگرایی سیاسی در قالب طرح ایده وحدت اسلامی، جهاد و دفاع مسلحانه از دین، نفی سلطه‌گری و ستم‌پذیری و نیز استکبارستیزی تأکید و دلالت دارد.

بعد امت‌محور این رویکرد نیز تحت تأثیر راهبرد تقویت نفوذ انقلابی و ایده صدور انقلاب معنا پیدا می‌کند. هرچند این ایده نیز بر صدور جوانب اخلاقی و انسانی انقلاب متمرکز شده و به‌هیچ‌وجه به دنبال تعرض به تمامیت ارضی دیگر کشورها اعم از اسلامی و غیر اسلامی نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۶۷۴). این وجه ایدئولوژیک منعکس‌کننده بعد انتقادی اندیشه سیاست خارجی امام خمینی^(ه) نسبت به فرایندها و ساختار نظام بین‌المللی موجود است. چه این‌که از نظرگاه ایشان آنچه موجب شده است تا جوانب اخلاقی و انسانی در عرصه بین‌المللی و جهانی به محاق برده شود، ریشه در سیاست‌های برتری‌جویانه و منفعت‌طلبانه قدرت‌های جهانی دارد و تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، بیداری مستضعفین جهان و اتحاد آنان برای مقابله با مستکبران جهان (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵: ۵۲۱) است. پیگیری این اهداف از طریق کاربست برخی ابزارها همچون استفاده از ظرفیت دیپلماسی وحدت و تبلیغ در بین جوامع اسلامی، در اولویت‌های کنش سیاست خارجی امام خمینی^(ه) قرار می‌گیرد.

هنجار مورد تأکید	وجه انتقادی	برون داد	ابزار	منافع	هدف	راهبرد	.
صلح‌طلبی - عمده تأکید در این دوره بر هنجارهای دینی و روابط خارجی است.	اتخاذ رویکرد مواجهه‌جویانه در برخورد با هنجارها، قواعد و رویه‌های نهادی موجود در نظام بین‌الملل	هنجارگرا - امت‌محور	- صدور انقلاب - دیپلماسی تبلیغ - حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش - دیپلماسی وحدت	هر دو دسته منافع ملی و منفعت امت‌محور به‌طور توأمان مورد تأکید قرار می‌گیرند.	- ایجاد محیط منطقه‌ای مناسب برای تداوم حیات انقلاب اسلامی و توسعه آن - حفظ مکتب و چهره اسلام - بین‌المللی‌گرایی اسلامی	توسعه نفوذ انقلابی	آرمان‌گرایی امت‌محور

الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرایی امت‌محور

۳.۲ الگوی آرمان‌گرای امت - ملت محور

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی امام خمینی^(ه)، نقطه عطفی در سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ایشان قلمداد می‌شود. این رویداد - پذیرش قطعنامه - به‌نوعی بیانگر ویژگی جدیدی برای سیاست خارجی ایران در دوره جدید بوده، چنانچه این تغییر در الگوی کنش، منجر به تغییرات در دیگر عناصر سیاست خارجی امام خمینی^(ه) همچون الگوی بازیگر و نیز ابزارهای تعقیب منافع ملی می‌گردد. چنانچه اگر در دوره جنگ بیشترین نگاه و تأکید ایشان بر ملت‌ها و به‌ویژه مستضعفین جهان متمرکز می‌شد و به نقش و کنش دیگر بازیگران بین‌المللی همچون دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با دیده انتقادی نگریسته می‌شد، در این مقطع شاهد پذیرش و به رسمیت شناختن نقش سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مدیریت مسائل و بحران‌های بین‌المللی و جهانی هستیم؛ هرچند این پذیرش به معنای نقطه پایان و نیز نفی نگرش انتقادی امام^(ه) نسبت به مفروضات، اصول و ساختار غیرعادلانه حاکم بر این دسته از بازیگران بین‌المللی نیست.

از این رو، به نظر می‌رسد در بعد بازیگران نظام بین‌الملل، در این دوره شاهد اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه هستیم و الگوی پیشین - بازیگری ملت‌ها و راهبرد صدور انقلاب - از حوزه راهبرد به بخش اهداف سیاست خارجی انتقال می‌یابند. چنانچه ایشان در پیامی که به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ صادر کردند این‌گونه بیان می‌دارند که:

«ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۸۱) و یا این‌که:

«ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۸۷-۸۶).

درواقع، این جملات که با عباراتی چون «ما بارهای اعلام نموده‌ایم» و یا این‌که «ما باید تمام تلاشمان را بنماییم» بیان شده، تأیید این دیدگاه است که تالی این عبارت بیشتر ناظر بر اهداف سیاست خارجی بوده تا بر راهبردهای اعمالی.

همچنین، از سوی دیگر، امام خمینی^(ه) پایان جنگ را بر مبنای تشخیص «مصلحت بقای انقلاب» اعلام کرده (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۹۵ و ۲۸۴) و هدف از قبول قطعنامه

را رسیدن به «صلحی پایدار» عنوان می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۱۰۱). لذا، بر این مبنا، نقش سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور ویژه سازمان ملل متحد که تا پیش‌ازین به دیده تردید و تحت نفوذ استعمارگران و قدرت‌های سلطه‌گر نگریسته می‌شد، به‌عنوان عاملی در ایجاد و حفظ صلح پایدار یاد می‌شود، چنانچه ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

«ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم و هرگز پیش‌قدم در تضعیف آن نخواهیم بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۱۳۴). این بیان، حاکی از آن است که برون‌داد سیاست خارجی در این مقطع، ویژگی مواجهه‌جویانه قبل را نداشته و از خصلتی عمل‌گرایانه برخوردار گردیده است. لذا، این تغییر در رویکرد، به تصویری متفاوتی از کنش سیاست خارجی ایران در قالب الگوی «مصلحت‌گرا - عمل‌گرا» منجر می‌شود که این ابعاد مصلحت‌گرایانه و عمل‌گرایانه حاکی از ویژگی واقع‌بینانه آن است.

اما بعد آرمان‌گرایی الگوی سیاست خارجی در دوره اخیر، بر انگیزه‌های اسلام‌گرایانه ایشان دلالت دارد. چنانچه ایشان بر آرمان‌های ایدئولوژیک همچون دفاع از اسلام و حزب‌الله (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۳۵۷)، تلاش برای احیای هویت اسلامی و نیز حمایت از محرومان (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۹۱)، آزادسازی فلسطین (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۲۸۳)، اصل نه شرقی - نه غربی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۲۸۶) و تکلیف‌گرایی در امور (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۲۸۴) اشاره کرده و به‌نوعی درصدد تأمین و تحصیل منافع آرمان‌گرایانه و ایدئولوژیک خود هستند. این وجه آرمان‌گرایانه اسلامی در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی^(۵) خط ثابتی است که در تمام ادوار پیشین نیز به‌صورت مستمر وجود داشته است؛ اما آنچه موجب تمایز می‌گردد نحوه پیگیری این سیاست و نیز تقدم و تأخر آن به نسبت به دیگر موضوعات سیاست خارجی است که همواره بر بستر عناصر زمان، مکان و مصلحت تغییر می‌یابد.

درواقع، راهبرد اصلی این رویکرد را می‌توان در سه محور اصلی بدین نحو ترسیم کرد: وجه اصلی این رویکرد از هویتی ایدئولوژیک برخوردار است چراکه از همین منظر صیانت از هویت اسلامی و نگاهداشت آن از خطر انحرافی مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ هرچند از این ویژگی می‌توان به‌عنوان وجه مشترک دیدگاه سیاست خارجی امام خمینی^(۵) در تمامی مراحل حیات سیاسی ایشان یاد کرد، اما تفاوت برجسته در این دوره تأکید ایشان بر دوگانگی است که امام^(۵) از آن با عنوان دوگانه «اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی»

الگوی تعاملی سه‌جانبه پویای سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی^(ره) ۱۰۳

یاد می‌کنند. بر اساس بررسی آماری در صحیفه امام خمینی^(ره)، واژگان اسلام ناب و اسلام آمریکایی به ترتیب ۳۱ مرتبه و ۱۸ مرتبه در ادبیات سیاسی ایشان مورد استفاده قرار گرفته است که از این بین در خصوص اسلام ناب، ۲۷ مورد به دوره پس از پذیرش قطعنامه اختصاص دارد و در مورد اسلام آمریکایی نیز ۱۳ مورد در این دوره تکرار شده است. این امر بیانگر این موضوع است که در دوره جدید، بیشترین توجه و نگاه امام خمینی^(ره) در بعد سیاست خارجی صیانت از اسلام و نگاهداشت آن از خطر انحراف احتمالی پیش‌روی آن است.

جدول فراوانی تکرارپذیری اسلام ناب و اسلام آمریکایی از منظر امام خمینی^(ره)

کلیدواژه	دوره نخست (از مهر ۱۳۵۷ تا آغاز رسمی جنگ)	دوره دوم (دوره جنگ تحمیلی)	دوره سوم (از پذیرش قطعنامه تا خرداد ۱۳۶۸)	مجموع
اسلام ناب	۰	۴	۲۷	۳۱
اسلام آمریکایی	۰	۵	۱۳	۱۸
مجموع	۰	۹	۴۰	۴۹

وجه دیگر این رویکرد، حکایت از واقع‌بینی در نحوه کنش سیاست خارجی ایشان دارد؛ چنانچه ایشان اساس اقدامات و سمت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی خود را در این دوره بر مبنای تشخیص مصلحت اسلام و انقلاب بنیان می‌گذارند. از این بخش می‌توان به‌عنوان مکانیسم تعادل‌بخش میان وجوه آرمان‌خواهانه و اهداف سیاست خارجی موردنظر امام خمینی^(ره) یاد کرد، چراکه به‌نوعی میان منافع ملی و مصالح ایدئولوژیک توازن برقرار کرده است؛ چنانچه حتی در عرصه کنش سیاست خارجی نیز در این دوره، بر راهبرد پیشین که توسعه نفوذ انقلابی در قالب اصل صدور اسلام بود، تأکید مشخصی نمی‌شود و به‌طور مشخص از اصول رفتاری دیگری همچون دیپلماسی تبلیغ بهره می‌جوید.

وجه سوم این رویکرد، اصالت بخشیدن به‌نوعی رابطه دوجانبه و متقابل میان محیط داخلی با محیط نظام بین‌الملل است. بر این اساس، شاهد تأکیدات ایشان بر تقویت منابع قدرت ملی از طریق اعلام سیاست خودکفایی نظامی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۳۵۷)، بازسازی مراکز علمی و تحقیقاتی کشور، تشویق به تولیدات داخلی، برنامه‌ریزی برای

گسترش صادرات و نیز توسعه و تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۱۵۸) هستیم.

همین ویژگی موجب می‌شود تا سیاست خارجی در این دوره برای تحصیل اهداف خود، از ابزارهای مختلفی برای این منظور بهره گیرد. یکی از مهم‌ترین کنش‌های سیاست خارجی امام خمینی^(۹) در این دوره، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی تبلیغ در ابلاغ پیام اسلام است. ایشان در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۱ در پیامی به میخائیل گورباچف، صدر هیئت‌رئیس اتحاد جماهیر شوروی، ضمن اشاره به نواقص و کاستی‌های موجود در جهان نگرش مادی و پیش‌بینی اضمحلال ایده کمونیسم و همچنین عدم موفقیت رهبران آن کشور در تبعیت از اصول اقتصاد سرمایه‌داری، به استراتژی دعوت روی آورده و ایشان را به تأمل و تحقیق در خصوص اندیشه اصیل اسلامی با ارجاع به قرآن کریم و نیز مطالعه آثار فلاسفه و عرفای برجسته اسلامی همچون فارابی، بوعلی سینا، سهروردی، ملاصدرا و محی‌الدین بن عربی دعوت می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۲۲۶-۲۲۰). همچنین ایشان در دیدار با وزیر امور خارجه وقت شوروی، ادوارد شواردناдзе، محور اصلی پیام خود را گشودن «دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای پس از مرگ که دنیای جاوید است» عنوان می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱: ۳۰۱).

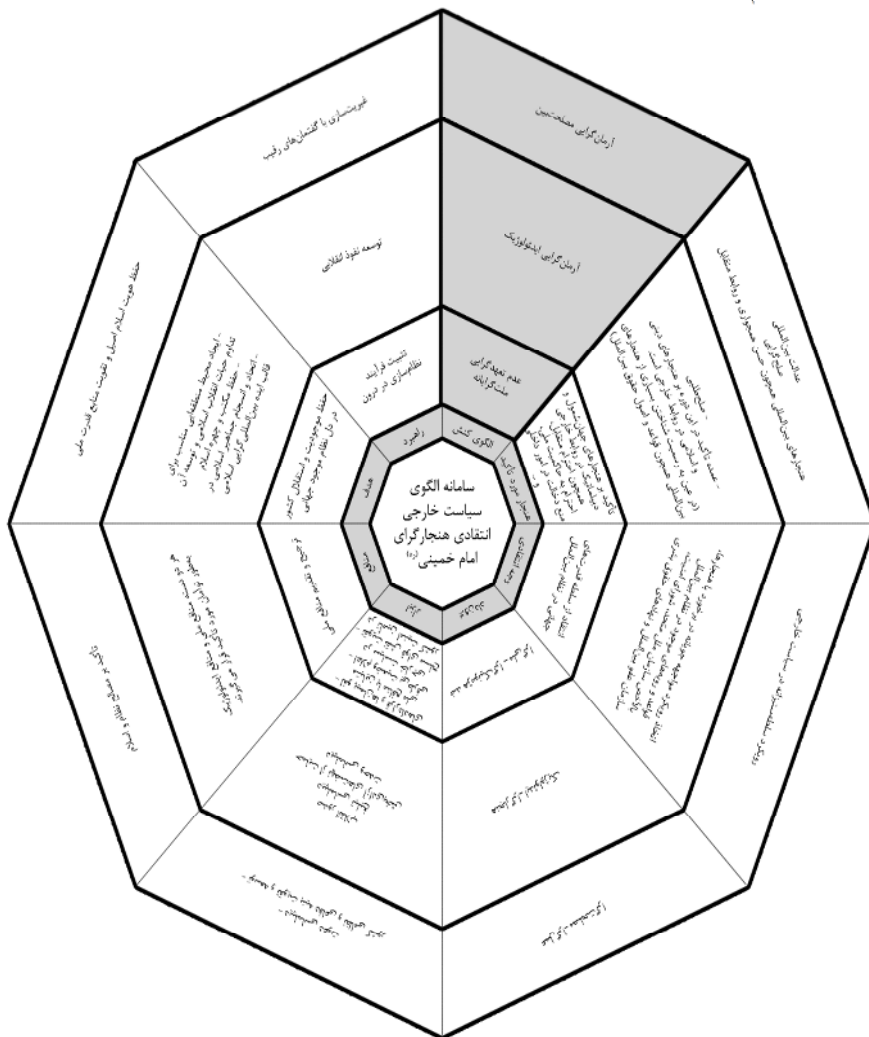
الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرای امت - ملت محور

الگوی کنش	راهبرد	هدف	منافع	ابزار	برون داد	وجه انتقادی	هنجار مورد تأکید
آرمان‌گرایی امت - ملت محور	غیریت‌سازی با گفتمان‌های رقیب	حفظ هویت اسلام اصیل و تقویت منافع ملی	مصالح نظام و اسلام مورد تأکید است	- دیپلماسی دعوت - توسعه و تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور	عمل‌گرا - مصلحت‌گرا	رویکرد سلطه‌ستیزانه در سیاست خارجی	عدالت بین‌المللی صلح‌گرایی - هنجارهای بین‌المللی همچون حسن هم‌جواری و روابط متقابل

در مجموع، الگوی سیاست خارجی آرمان‌گرای امت - ملت محور به‌نوعی میان دو بعد آرمان‌گرایانه و واقع‌بینانه اندیشه سیاست خارجی امام خمینی^(۹) توازن ایجاد کرده و موجب

الگوی تعاملی سه‌جانبه پویای سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی (ع)^(۵) ۱۰۵

می‌شود تا رویکرد ایشان بیشتر به این سو تمایل یابد که چگونه می‌توان در نظم کنونی منافع موردنظر را پیگیری کرد. این رویکرد، علاوه بر این که هزینه به نسبت پایین‌تری برای دستگاه سیاست خارجی ایجاد می‌کند، این امکان را نیز فراهم می‌آورد تا از ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل برای پیگیری اهداف فراملی نیز بهره جسته شود.



۳. نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف ارائه یک سامانه تحلیلی در خصوص الگوی کنش سیاست خارجی امام خمینی^(ره) و با تمرکز بر ادبیات گفتاری ایشان در مجموعه بیست و دو جلدی صحیفه امام انجام پذیرفته است. در واقع، طراحی این الگوی کنش - که از ویژگی‌های ارزش‌های اسلامی برخوردار است - می‌تواند به‌عنوان گامی در تکمیل فرایند نظریه‌پردازی دینی و اسلامی در حوزه سیاست خارجی و نیز شکل‌گیری الگوی متعامل رفتار سیاست خارجی در درون نظم حاکم محسوب شود. همچنین، قرائت امام خمینی^(ره) به حوزه سیاست و به‌خصوص سیاست خارجی، به علت برخورداری از خصلت تجویزگرایانه، از ظرفیت لازم برای طراحی و نیز ترسیم نحوه گذار از نظم موجود به نظم مطلوب را نیز برخوردار است. در این پژوهش از بین نظریات موجود در حوزه مطالعات سیاست خارجی، بر گروه نظریات واکنش‌گرای روابط بین‌الملل و به‌خصوص نظریات هنجاری و انتقادی تمرکز یافتیم تا با توجه به وجوه تشابه بسیاری که حوزه آسیب‌شناسی نظم موجود و نیز برخی ارزش‌های مشترک همچون رهایی‌بخشی و نیز عدالت بین‌المللی، میان این نظریات با نظریات اسلامی و دینی و به‌ویژه قرائت امام خمینی^(ره) از سیاست خارجی وجود دارد، نوعی رابطه تعاملی ایجاد نماییم و در واقع، به بازطراحی این نظریات مبتنی بر قرائت امام خمینی^(ره) پردازیم.

الگوی (ستز نظری) سیاست خارجی انتقادی هنجارگرا از منظر امام خمینی^(ره) ناظر بر دو هدف اساسی است؛ هدف نخست به بعد آرمان‌گرایانه اندیشه سیاست خارجی ایشان بازمی‌گردد و بیشتر متضمن ابعاد هنجاری و اخلاقی سیاست خارجی همچون جهانی‌شدن اسلام، حفظ هویت اسلامی، دفاع از مظلومان و مستضعفان در مقابل قدرت‌های ظالم و چپاولگر جهانی، حفظ و صیانت از جایگاه الهی انسان و جلوگیری از تضييع حق انسانی جوامع و ... بوده و هدف دیگر، ناشی از نگرش واقع‌بینانه ایشان نسبت به مسائل جهانی ناظر به نقد نظم و نظام موجود جهانی است. از این‌رو، شاهد تکرار مواضع انتقادی در خصوص نظم ناعادلانه بین‌المللی، سلطه و نفوذ قدرت‌های بزرگ بر سازمان‌های بین‌المللی و به‌تبع، جانبداری سازمان‌های بین‌المللی از منافع و خواست قدرت‌های بزرگ از سوی ایشان هستیم.

اما سؤال اصلی به این موضوع برمی‌گردد که امام خمینی^(ره) چگونه این اهداف را در عرصه بین‌المللی دنبال نموده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال، نگارنده به تقسیم زمانی سیاست

خارجی امام خمینی^(ره) حسب رخداد یک رویداد مهم اقدام کرده است. لذا، چنانچه مشاهده شد، هرچند امام^(ره) به‌طور هم‌زمان به تعقیب تحصیل هر دو هدف موردنظر خویش در عرصه بین‌المللی می‌پردازند، اما وزن این اهداف در ادوار مختلف، متفاوت بوده و در نتیجه، ایشان برای پیگیری اهداف سیاست خارجی موردنظر خویش از راهبردهای مختلفی بهره می‌جویند. این راهبردها در سومین دوره زمانی بیشترین سازواری را با نظم موجود جهانی داشته و سعی دارد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در این نظم جهانی، به تعقیب و پیگیری منافع و اهداف سیاست خارجی بپردازد. این رویکرد که در بردارنده دو ویژگی آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است، موجب می‌شود تا کنشگران سیاست خارجی با آزادی عمل بیشتری بتوانند در عرصه بین‌المللی کنشگری داشته و منافع موردنظر را تضمین و تحصیل نمایند. بر این اساس، آنچه از منظر امام خمینی^(ره) اهمیت می‌یابد حفظ اصول اساسی و بنیادین اسلامی و ایرانی موردنظر خویش در عرصه سیاست خارجی است که این مهم از طریق ایجاد نوعی توازن میان اهداف ملت‌محور و اهداف امت‌محور در عرصه روابط خارجی میسر می‌گردد.

این ایجاد توازن میان منافع ملی و مصالح فراملی که در اندیشه و کنش سیاست خارجی امام خمینی^(ره) تبلور یافته است می‌تواند به‌عنوان الگوی نوینی از نظریه‌پردازی و اقدام در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد و تا در پرتوی آن شرایط و لوازم پیدایش اصول و ارزش‌های یک نظم فکری جدید در دل نظم حاکم پدیدار آید.

بر این اساس، این امکان وجود دارد تا با تأکید بر الگوی کنش امام خمینی^(ره) در عرصه سیاست خارجی و با بهره‌گیری از ظرفیت تبیینی نظریات روابط بین‌المللی و نیز بازطراحی آن‌ها بر اساس دیدگاه و قرائت امام^(ره)، به‌نوعی الگوی عملی کنش سیاست خارجی رهایی‌بخش و عدالت‌خواه در عرصه بین‌المللی و جهانی دست‌یافت که این امر جز با اجتهاد در اندیشه و نظم فکری ایشان محقق نخواهد شد.

کتاب‌نامه

خمینی، (امام) روح‌الله (۱۳۶۱). شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).

خمینی، (امام) روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).

خمینی، (امام) روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: علمی فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷). «سیاست خارجی رهایی‌بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲(۲): ۳۰۱-۳۲۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵(۲): ۱۵۰-۱۲۳.
- رضای، روح‌الله (۱۳۸۸). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۲). «تبیین‌پذیری رویکرد سیاست خارجی انقلاب اسلامی در پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸: ۲۳-۱.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). «شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۲۱۰-۱۷۹.
- یزدانی، عنایت‌الله و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی ابزارها و شیوه‌های صدور انقلاب اسلامی ایران (با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی^(ره))»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۱): ۲۴۷-۲۷۸.